

پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶
ص. ۳۰۷-۳۲۳

تبیین مدل ژئوپلیتیک روابط ایران و پاکستان

حمیدرضا محمدی - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی
ابراهیم احمدی* - کارشناس ارشد، جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

تأیید نهایی: ۱۳۹۴/۰۹/۲۸

پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۰۸/۰۳

چکیده

پاکستان به‌عنوان یکی از همسایگان ایران که فضایی بی‌ثبات و پرتنش دارد، از اهمیت ژئوپلیتیکی خاصی برخوردار است. این کشور از بدو استقلال در سال ۱۹۴۷، با بیشتر همسایگان خود در تنش بوده است؛ بنابراین، پرسش اصلی این پژوهش آن است که مهم‌ترین عوامل تنش و تهدید، بر مبنای حاکمیت ژئوپلیتیک در روابط دو کشور ایران و پاکستان کدام‌اند. پژوهش توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز آن، روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع معتبر گردآوری شده است. در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، این فرضیه مطرح است که با عنایت به شرایط داخلی پاکستان و مشکلات حل‌نشده این کشور با همسایگانش، به‌نظر می‌رسد پاکستان با وجود ۹۸۷ کیلومتر مرز مشترک با ایران، تهدیدزا و تنش‌آفرین است. آشکارترین منابع تنش و تهدید روابط ایران و پاکستان، شامل مواردی مانند تهدیدهای دولت‌محور از ناحیه ISI، شیعه‌ستیزی در قالب مسائل ایدئولوژیک، ناامنی مرزها، حمایت از طالبان در افغانستان و حمایت افراطی پاکستان از عربستان سعودی است. علاوه‌براین، تنش‌هایی وجود دارد که در حال حاضر جدی به‌حساب نمی‌آیند، اما ممکن است در آینده نزدیک بر روابط دو کشور تأثیر بگذارند. مواردی مانند برنامه کنترل‌نشده هسته‌ای این کشور با وجود گروه‌های بنیادگرا و تندرو، تنش‌های مرزی (مرزهای آبی) نظیر مرز دریایی گوادر و حقایق رودخانه‌های مرزی که تاکنون تعیین رژیم نشده‌اند و رقابت منفی دو کشور در آسیای مرکزی از این دسته‌اند.

واژه‌های کلیدی: آسیای مرکزی، افغانستان، ایران، پاکستان، چالش ژئوپلیتیک، خط لوله صلح، عربستان سعودی.

مقدمه

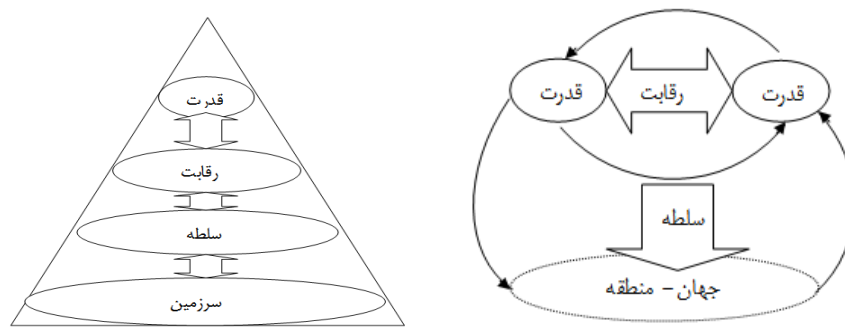
شناخت محیط پیرامونی و تحلیل ژئوپلیتیک کشورهای همسایه، از مهم‌ترین عواملی است که در راستای برقراری و گسترش روابط دوجانبه باید مدنظر قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران برای اینکه بتواند بر چالش‌ها و تنگناهای پیرامونی غلبه یابد و چالش‌ها و رقابت‌های ناسازگار ژئوپلیتیک را به همکاری تبدیل کند، در وهله نخست نیازمند مطالعه دقیق ژئوپلیتیک کشورهای منطقه و شناخت آن‌هاست. پاکستان به‌عنوان یکی از بی‌ثبات‌ترین همسایگان ایران، دارای طیفی از مشکلات داخلی نظیر اقتصاد ورشکسته و بیمار، افراطی‌گری، نبود دموکراسی، تجمیع قدرت در دست ارتش و ژنرال‌ها، نفوذ بیش از اندازه گروه‌ها و احزاب اسلامی، فساد اداری، خسارت‌های ناشی از حوادث طبیعی و... است (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۳۸). براین‌اساس، مهم‌ترین هدف این پژوهش بررسی عوامل اصلی تنش و تهدید، بر مبنای حاکمیت ژئوپلیتیک در روابط دو کشور ایران و پاکستان است. با مراجعه به منابع مکتوب و بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، این فرضیه بررسی می‌شود که طیف منابع تنش و تهدیدها در روابط ایران و پاکستان متعدد است. اصل منازعات پاکستان و ایران، حول مسائل ایدئولوژیک به نمایندگی مذهب است. شکل‌گیری گروه‌های افراطی در پاکستان (سپاه صحابه و لشکر جهنگوی) و ایران (جندالله، جیش‌العدل، انصار) نمونه‌ای از تنش‌های ایدئولوژیکی دو کشور است که آی.اس.آی و برخی از رژیم‌های منطقه‌ای (عربستان سعودی) به دلایل گوناگون بیشترین حمایت را از این گروه‌های تروریستی را به عمل می‌آورند (اطاعت و احمدی، ۱۳۹۴: ۷۰). به‌تبع تکرار و استمرار عوامل ذکرشده، سایر مشکلات مانند چالش‌های مرزی (قاچاق مواد مخدر و کالا، عملیات تروریستی و...)، برنامه نامتعارف هسته‌ای پاکستان (با وجود گروه‌های متعدد افراطی)، استفاده ابزاری پاکستان از گروه‌های تندرو (القاعده و طالبان) در افغانستان و آسیای مرکزی، تنش‌های ناشی از اختلاف در تعیین حدود مرزهای آبی و دریایی (به‌دلیل وجود منابع نفت و گاز در فلات قاره مانند خلیج فارس) یا بندرهای ساحلی (چابهار و گوادر) رو به رشد و توسعه، مسائل جدی و بسیار تأثیرگذار در زمینه‌سازی منازعات آینده دو کشور به‌حساب می‌آیند.

مفاهیم نظری

چالش ژئوپلیتیک^۱

چالش ژئوپلیتیک، ایجاد وضعیت برای یک دولت یا کشور بر پایه عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیک و تأثیرگذاری بر سیاست آن کشور با استفاده از متغیرها و عوامل جغرافیایی است. به‌عبارتی، چالش ژئوپلیتیک به‌معنای منفعل کردن سیاست و راهبرد ملی دیگر کشورها با استفاده از کاربرد عوامل و ارزش‌های جغرافیایی، یا کاربرد جغرافیا علیه کشورهای رقیب است (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۱۳). کشورها و دولت‌ها، برای ضربه‌زدن به رقیب و محدود کردن قدرت مانور و عمل آن از ابزارها و روش‌های مختلف استفاده می‌کنند. یکی از این ابزارها، استفاده از جغرافیا و ارزش‌ها و عناصر جغرافیایی اعم از متغیر و ثابت، طبیعی و انسانی، و مکانی و فضایی گسترده است که کاربرد یک یا تعدادی از آن‌ها علیه رقیب او را به زانو درمی‌آورد؛ به‌طوری‌که مواضع سیاسی وی را منفعل کرده و بازیگر می‌تواند خواست‌ها و اراده خود را بر او تحمیل کند. هدف اولیه هر چالش ژئوپلیتیک، ایجاد انفعال در طرف مقابل به‌منظور تغییر رفتار آن است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۱). به‌عبارت دیگر، آنچه پیش از این برای یک کشور مزیت به‌شمار می‌آمد و از رهگذر آن منافع زیادی کسب کرده بود، اینک به‌مثابه یک اهرم فشار علیه کشور به‌کار گرفته می‌شود؛ برای نمونه، می‌توان به ذخایر ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز) در کشورهای خاورمیانه- که اغلب بر اقتصاد تک‌محصولی فروش نفت متکی است- اشاره کرد. تحریم‌های نفتی

این کشورها، چالش عمیقی در آن‌ها پدید می‌آورد و آنچه پیش از این به‌عنوان یک منبع درآمد هنگفت در اختیار ساخت و آبادانی قرار می‌گرفت، اینک از حوزه قدرت آن‌ها خارج می‌شود. در چنین وضعیتی، به‌دلیل نبود زیرساخت‌های دیگر برای رشد شتابان اقتصاد چندمحصولی و وابستگی شدید دیگر ساختارها به پول نفت، پویایی و تحرک سیاسی-اقتصادی کاهش می‌یابد و به‌عبارتی رساتر، «هم قدرت سخت و هم قدرت نرم یک کشور را در معرض آسیب می‌گذارد» (شرکت مشاور امنیتی بوز آلن همیلتون، ۲۰۱۰: ۱). شایان ذکر است که چالش ژئوپلیتیکی از حیث دامنه گسترده است و تنها شامل تحریم نمی‌شود. به‌کارگیری گروه‌های فضایی-قومی علیه یکدیگر به‌وسیله کشورهای هند و پاکستان یا ایران و عراق، طرح مسئله جزایر سه‌گانه و تغییر نام خلیج فارس توسط اعراب، کنترل سرچشمه و مسیر رودخانه هیرمند توسط افغانستان، احداث خط انتقال انرژی باکو-جیحان، تشکیل گروه شانگهای در رابطه با نفوذ آمریکا در آسیا، ایجاد محدودیت ترانزیتی برای کشورهای محصور در خشکی، کاهش تولید نفت توسط اوپک و نظایر آن در ردیف چالش‌های ژئوپلیتیکی‌اند (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۲۲)؛ بنابراین، درپیش‌گرفتن سیاست‌های غیرتعادلی و تنش‌زا در صحنه جهان سیاسی نیز از عوامل مؤثر در به‌چالش کشیده شدن عناصر و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی یک کشور است که در آن، سیاست‌های همگرایی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به فراموشی سپرده می‌شود (گاف، ۲۰۱۴: ۱۳).



شکل ۱. هرم و بیضی ژئوپلیتیک

منبع: مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۱۰۱

یافته‌های پژوهش

مهم‌ترین چالش‌های محیط داخلی پاکستان

ارتش: بزرگ‌ترین، قوی‌ترین و تأثیرگذارترین نهاد قدرت در پاکستان، ارتش این کشور است. در ظاهر به‌نظر می‌رسد نیروهای مسلح و از جمله ارتش، طبق قانون اساسی پاکستان حق دخالت در امور سیاسی را ندارند، اما نظام سیاسی-اجتماعی پاکستان به‌گونه‌ای است که به اعتقاد کارشناسان و تحلیلگران سیاسی، ارتش کلیدی‌ترین نهاد سیاسی این کشور به‌شمار می‌رود (امامی، ۱۳۷۸: ۹۳). در پاکستان، حدود ۵ درصد تولید ناخالص ملی به مقوله‌های دفاعی اختصاص یافته است که کمابیش دو برابر درصد بودجه نظامی هند است (دهشیار، ۱۳۸۶: ۱۳۸).

احزاب سیاسی: احزاب سیاسی، از کانون‌های مهم قدرت در پاکستان به‌شمار می‌روند. در پاکستان، مشکل اساسی وجود رژیم اقتدارگرا، ناشی از احزاب سیاسی در این کشور است (کوشکی و حسینی، ۱۳۹۳: ۶۶). اگرچه پاکستان احزاب متعددی دارد، به‌طور کلی محور اصلی احزاب، حول دو حزب قدرتمند مسلم لیگ و مردم متمرکز شده است.

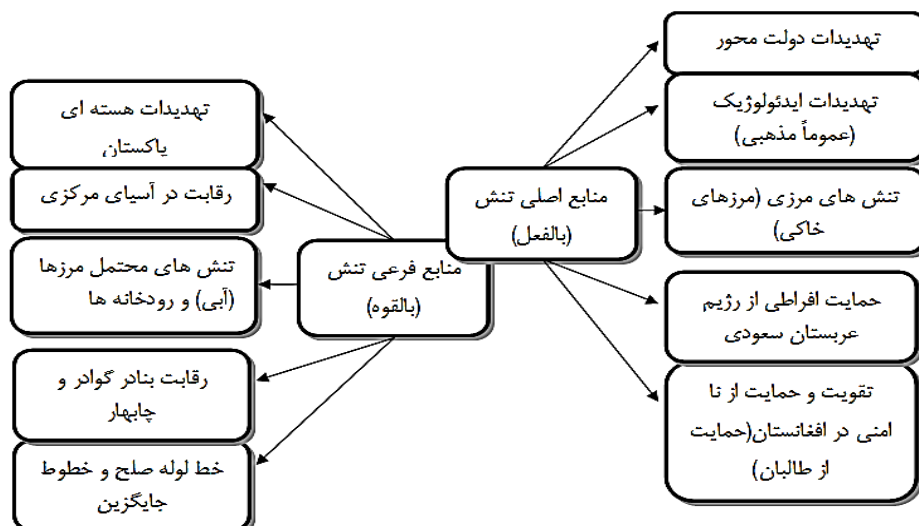
سازمان‌ها و گروه‌های اسلام‌گرا: با نگاهی به سازمان‌ها و گروه‌های اسلام‌گرا در صحنه سیاسی و اجتماعی پاکستان، دو دسته گروه اسلامی قابل‌تمایز است. دسته اول گروه‌هایی که می‌توان آن‌ها را احزاب و گروه‌های مذهبی رسمی نامید.

این‌ها معتقد به اصلاح از طریق سازوکارهای دموکراتیک و قانونی هستند و اهداف و آرمان‌های مورد نظر خود را به شیوه‌های مسالمت‌آمیز دنبال می‌کنند و کمتر به خشونت روی می‌آورند. از احزاب و گروه‌های این دسته می‌توان به جماعت اسلامی، جمعیت علمای اسلامی، جمعیت اهل حدیث و تحریک جعفریه پاکستان اشاره کرد (عباس، ۲۰۰۴: ۲۴۱). دسته دوم، گروه‌های افراطی و ستیزه‌جو هستند. این گروه‌های تندرو برخلاف نیروهای مذهبی رسمی، تنها راه برای رسیدن به آرمان‌های خود را جهاد خشونت‌بار می‌دانند. گروه‌های جهادی کشمیر از این دسته‌اند. برخی از احزاب عمده گروه‌های ستیزه‌جو عبارت‌اند از: حرکت‌المجاهدین^۱، لشکر طیبه^۲، جیش محمد^۳ و مجاهدین البدر^۴. طبق برخی آمارها، دو گروه اسلام‌گرای لشکر طیبه و حرکت‌المجاهدین، بیش از ۱۸۰ مدرسه در اختیار دارند که بیش از ۲۶ مورد از این مدارس در داخل پاکستان قرار دارند. دسته دوم از این گروه‌ها نیز به‌طور سنتی فرقه‌ای‌اند؛ این دسته شامل گروه‌های ضدشیعی لشکر جهنگوی^۵ و سپاه صحابه^۶ است. دسته سوم، گروه‌های شبه‌نظامی ضدولتی‌اند. مهم‌ترین آن‌ها ارتش آزادی‌بخش بلوچستان است که در تعقیب اهداف سیاسی خود دولت را هدف خشونت قرار داده است (فایر، ۲۰۰۴: ۹۱).

مشکلات اقتصادی: نزدیک به ۲۴ درصد از جمعیت ۱۷۶ میلیونی نفری پاکستان زیر خط فقر زندگی می‌کنند (جاوید، ۲۰۰۹: ۲۴). دهه‌ها اختلاف سیاسی داخلی و سرمایه‌گذاری کم خارجی موجب بروز مشکلات عمده اقتصادی در پاکستان شده است. بیش از یک‌پنجم صادرات پاکستان و دوپنجم اشتغال داخلی، وابسته به کشاورزی است. طی سال‌های گذشته، رشد کم اقتصادی، تورم بالا و تعدیل در بازار مواد غذایی به دلیل بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی، سبب فقر در پاکستان شده است. باید گفت طی یک روند منطقی، اقتصاد پاکستان همچنان با چالش‌های بلندمدتی در بخش آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، کشاورزی، کمبود انرژی گاز و برق و وابستگی به کمک‌های خارجی مواجه است (کتاب واقعیت‌های جهان سازمان سیا، ۲۰۱۵)؛ برای مثال، مطابق آمار و اطلاعات مربوط به شاخص‌های توسعه انسانی در سال ۲۰۱۳، پاکستان از میان ۱۸۷ کشور جهان رتبه ۱۴۶ را به خود اختصاص داده است. همچنین ۵۲ درصد مردم این کشور، محرومیت چندبعدی دارند (شاخص‌های توسعه انسانی پاکستان، ۲۰۱۴).

خسارت‌های ناشی از بلایای طبیعی: پاکستان کشوری سیل‌خیز است و تاکنون سیل خسارت‌های اقتصادی و انسانی زیادی را بر این کشور وارد کرده است؛ برای نمونه، بر اثر سیلی که در سال ۲۰۱۰ در پاکستان به وقوع پیوست، حدود یک‌پنجم زمین‌های کشاورزی به زیر آب رفت. حدود یک میلیون خانه ویران شد و یک‌دهم جمعیت پاکستان (حدود ۲۰ میلیون) در شرایط بدی به سر می‌بردند. همچنین هنوز ۸۰۰ هزار خانوار بی‌سرپناه مانده‌اند. سیل ۲۰۱۰ همچنین بر دو شاخص مهم تورم و تولید ناخالص ملی اثر گذاشت؛ به‌نحوی که تورم از ۹/۲ درصد به ۱۱/۲ درصد و تولید ناخالص ملی با روند کاهشی از ۴/۱ درصد به ۳/۲ درصد رسید. در اثر وقوع این سیل، بسیاری از جاده‌ها، خطوط راه‌آهن و شبکه‌های ارتباطی از بین رفت. پیش‌بینی شده است بر اثر این فاجعه، بدهی پاکستان که تا سال ۲۰۱۰ به میزان ۵۵/۵ میلیارد دلار بوده است، تا سال ۲۰۱۶ به ۷۳ میلیارد دلار برسد (کلود و پیر، ۲۰۱۲: ۱۴۰).

1. Harkat ul-Mujahideen (HUM)
2. Lashkar-e-Taiba (LT)
3. Jauche Mohamed (J M)
4. Mojahedin -e- Badr (MB)
5. Lashkar-e-Jhangvi (LJ)
6. Sepah -Sahabeh (SS)



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش: مهم ترین منابع (اصلی و فرعی) تنش و تهدید در روابط ایران و پاکستان

منابع عمده تنش و تهدید در روابط ایران - پاکستان

تهدیدهای درون کشوری

یکی از جنبه های مهم تهدید از جانب پاکستان، حمایت گسترده ارتش و آی.اس.آی این کشور از رادیکالیسم و گروه های افراطی در برخورد با همسایگان مانند هند، ایران و افغانستان است. شایان ذکر است که پیشینه حمایت دولت از جریان های بنیادگرا، به سیاست ژنرال ضیاءالحق برمی گردد (حسین، ۲۰۰۷: ۹۱). همان طور که پاکستان در مواجهه با هند، از گروه های تندرو کشمیری - پاکستانی مانند حرکه المجاهدین، لشکر طیبه، جیش محمد و مجاهدین البدر حمایت می کند، در افغانستان نیز از طالبان به اشکال خاص خود حمایت به عمل می آورد. بعضی از تحلیل گران معتقدند که عناصر طالبان و آی.اس.آی با یکدیگر همکاری دارند و فعالیت هایشان جدا از هم نیست. جان جک رونی مدعی است که ۱۸۰ گزارش مستند متفاوت موجود است که دیدارهای افراد رده بالای آی.اس.آی با فرماندهان ارشد طالبان، آموزش بمب گذاری به طالبان و حتی سازماندهی عملیات پیچیده برای آنهاست (کوئین لان، ۲۰۱۲: ۶). در واقع، سرویس جاسوسی ایالات متحده (سیا) بر این اعتقاد است که آی.اس.آی از اشخاصی مانند جلال الدین حقانی، سرکرده گروه حقانی، به عنوان یک دارایی راهبردی استفاده می کند (جانسن و میسن، ۲۰۰۸: ۸۰). بر همین اساس، افسران عالی رتبه بازنشسته آی.اس.آی و ارتش پاکستان سعی کردند همواره مرادوات گرم خود را با ستیزه جویان اسلام گرا حفظ کنند؛ برای مثال، ژنرال حمید گل، بین سال های ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹ فرمانده آی.اس.آی بود. او نقشی به مراتب مهم در بسیج حمایت همگانی از طالبان در رسانه ها داشت و ستیزه جویان را به جهاد (جنگ مقدس) تشویق می کرد (رشید، ۲۰۰۸: ۲۲). به همین سبب، این بحث وجود دارد که گروه هایی مانند جیش العدل که علیه ایران دست به اعمال تروریستی می زدند، به نوعی نیز در راهبرد پاکستان قرار دارند. به این ترتیب، ایران نیز از این راهبرد پاکستان تأثیر می پذیرد. تروریست های سپاه صحابه نیز از حمایت سرویس اطلاعات داخلی پاکستان برخوردارند و به طور مستقیم یا غیرمستقیم از سوی کشورهای خارجی مثل عربستان سعودی و بحرین پشتیبانی می شوند. چنان که یک تحلیلگر پاکستانی می گوید، برای دولت پاکستان، ملک اسحاق (رهبر لشکر جهنگوی) به عنوان طالبان خوب طبقه بندی می شود (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۳۰ - ۱۳۱).

افراطی گری مذهبی و تنش های ایدئولوژیک

افراطی گری، نوعی رفتار خشونت گرای هدفمند است که پشتوانه بسیار قوی هویتی و ایدئولوژیک دارد و مهم ترین ویژگی

آن «صدمه‌زدن» به دیگران است (جمالی، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۲). افراطی‌گری مبتنی بر مذهب است، اما مذهب افراط‌گراها همان مذهب عموم مردم نیست. این مذهب بنابه مقاصد سیاسی دستکاری شده و خصلتی آرمانی پیدا کرده است. افراط‌گراها قصد دارند با تسلط بر دولت‌ها، آموزه‌ها و قوانین مورد نظر خود را در همهٔ ارکان و شئون جامعه جاری کنند. براین اساس، آن‌ها از ترور، مانند ابزاری کارساز برای گسترش دادن بنیادگرایی بهره می‌گیرند (بور، ۲۰۱۱: ۹). از نظر عرصهٔ فعالیت، با اندکی تأمل می‌توان اذعان داشت که پاکستان به‌عنوان بهشت تروریست‌ها در جهان شناخته می‌شود و احتمالاً نقش این کشور در آینده از این حیث افزایش پیدا کند (رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۷۷). به‌طور کلی، تجربیات تاریخی نشانگر آن است که گروه‌های افراطی فعال در پاکستان دارای انواع ظرفیت‌های تهدیدزا علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران هستند (غفوری و داوند، ۱۳۹۴: ۴۲). در یک دسته‌بندی کلی، گروه‌های ضدشیعی و ضدایرانی پاکستان این‌گونه‌اند:

دیوبندی‌ها: دیوبندی‌ها اگرچه مقلد ابوحنیفه هستند و در معاملات طبق فقه او عمل می‌کنند، اما در اندیشه و طرز تفکر به افکار محمد بن عبدالوهاب قرابت زیادی دارند. بیشتر گروه‌های تروریستی پاکستان، شاخه‌ای از دیوبندی‌ها هستند که مسلمانان دیگر را کافر می‌شمرند و آنان را مهدورالدم می‌دانند. بمب‌گذاری‌ها، ترورها و جنایات دیگری که در این کشور انجام می‌شود، توسط این گروه‌ها صورت می‌گیرد. گروه‌های افراطی مانند سپاه صحابه و لشکر جهنگوی در پاکستان، خود را به دیوبندی‌ها منتسب می‌کنند. گفتنی است در استان سیستان و بلوچستان و جنوب خراسان، بیش از ۹۰ درصد اهل سنت پیرو این مکتب هستند (علیزاده موسوی، ۱۳۹۲: ۱۶). دیوبندی درحال حاضر نمایندهٔ دین رسمی در پاکستان محسوب می‌شود و طرفداران این مکتب در این کشور روزبه‌روز درحال افزایش‌اند. مبلغان دیوبندی، اکنون به بیش از یک میلیون رسیده‌اند و به‌عنوان پرچم‌داران اهل حدیث و سلفی‌گری در هند و پاکستان شناخته می‌شوند (فرمانیان، ۱۳۸۷: ۱۷۳).

طالبان: به ادعای طالبان، شیعیان بدعت‌گذارانی هستند که می‌توان آنان را برای عقاید مذهبی‌شان آزار داد. این رویکرد، خواه‌وناخواه ایران را به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور شیعی جهان به چالش می‌خواند. به تعبیر الیویه روی، همگان ایران را پدرخواندهٔ شیعیان در جهان می‌دانند. از اهداف گروه‌های افراطی مانند القاعده و طالبان، نابودی شیعیان است. به اعتقاد آن‌ها، بعد از نابودی غرب، شیعیان باید نابود شوند (سجادپور و قهرودی، ۱۳۹۰: ۲۴۹). از جملهٔ جنایات طالبان می‌توان به جهاد ۱۳۷۷ و تشکیل اجلاس پیشاور اشاره کرد که طی آن، ۱۶۰ نفر از مفتی‌های وهابی فتوایی را صادر کردند مبنی بر اینکه همهٔ مردان و پسران بالای هفت سال شیعه باید کشته شوند. سرانجام در روز دوشنبه ۱۳۷۷/۰۷/۱۵، زنان، مردان و کودکان شهر مزارشریف از روی پشت‌بام‌ها به رگبار بسته شدند و حتی بیماران و زخمیان را روی تخت بیمارستان‌ها به شهادت رساندند. در شهر میمنه تعداد زیادی را سوزاندند. در سنگچارک، بلخاب، بامیان، پروان و کاپیسا، از شکم بانوان جنین بیرون کشیدند، زبان مردان و پستان زنان را بریدند و چشم‌های آنان را از حدقه بیرون آوردند (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ب: ۱۵۷).

سپاه صحابه: ظهور نیروهای ضدشیعی از جمله سپاه صحابه و اهل حدیث، به‌دلیل مقابله با نفوذ ایران در منطقه به‌وجود آمد (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۵). این گروه تاکنون فعالیت‌های خشونت‌بار زیادی مانند حمله به عزاداری‌ها، مراکز فرهنگی، ترور افراد و شخصیت‌های مهم شیعه انجام داده است. در ابتدا حملات تروریستی این حزب، بیشتر متوجه اعضای نهضت جعفری بود. اما در سال‌های اخیر، سیاستمداران، حقوق‌دانان، بازرگانان، کارمندان و مدیران دولتی شیعه‌مذهب را نیز آماج حملات تروریستی خود قرار داده است (عارفی، ۱۳۸۲: ۱۲۵-۱۲۷). از جمله اقدامات سپاه صحابه علیه ایران، ترور صادق گنجی مسئول خانهٔ فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در لاهور و محمدعلی رحیمی سرپرست خانهٔ فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در مولتان است.

لشکر جهنگوی: برخی مدعی هستند که لشکر جهنگوی، به وسیله رهبران سپاه صحابه، به عنوان یک شاخه نظامی فعال و جدا از جناح‌های سیاسی تأسیس شد تا از طریق ادامه اقدامات خشونت‌بار فرقه‌ای، به پیشبرد اهداف سیاسی سپاه صحابه کمک کند (جمال، ۲۰۱۲: ۵-۷). لشکر جهنگوی اهداف خود را بدین شرح اعلام داشته است: ایجاد پاکستان سنی‌مذهب از طریق روش‌های خشونت‌آمیز. ترویج و اعلام نامسلمانی شیعیان و از میان برداشتن پیروان دیگر ادیان به‌ویژه یهودیان، مسیحیان و هندوها (وبسایت امنیت ملی استرالیا، ۲۰۱۲).

جدول ۱. مهم‌ترین حوادث تروریستی در مناطق مرزی ایران و پاکستان از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳

حوادث	تاریخ	نتایج
ترور محافظ احمدی‌نژاد در خاش	۱۳۸۴/۰۹/۲۳	شهادت وی
حمله به پاسگاه مرزی گذار ناهور سراوان	۱۳۸۴/۱۰/۱۲	گروگان‌گیری هشت مرزبان و شهادت رئیس پاسگاه
اسارت ۳ تبعه ترکیه	۱۳۸۴/۱۰/۲۵	گروگان‌گیری هشت مرزبان و شهادت رئیس پاسگاه
حادثه تاسوکی	۱۳۸۴/۱۲/۲۵	قتل ۲۲ تن از مسافران و ۴ مأمور پلیس
حمله به مأموران نیروی انتظامی	۱۳۸۵/۱۱/۱۲	قتل ۴ مأمور پلیس و یک شهروند
حمله به اتوبوس سپاه پاسداران	۱۳۸۵/۱۱/۲۵	شهادت ۱۳ نفر و زخمی شدن ۳۰ تن از سپاه و مردم
انفجار بمب صوتی	۱۳۸۵/۱۱/۲۷	بدون تلفات
حمله به پاسگاه مرزی نگور	۱۳۸۵/۱۲/۸	قتل ۲ مأمور مرزبانی و اسارت ۴ نفر
شبیخون به جمعی از پاسداران	۱۳۸۶/۰۴/۲۸	شهادت ۹ مأمور سپاه و زخمی شدن ۱۱ تن
حمله به خودروهای عبوری	۱۳۸۶/۰۵/۲۸	گروگان‌گیری ۲۱ غیرنظامی و انتقال آن‌ها به پاکستان
ترور مهدی توکلی (روحانی شیعه)	۱۳۸۶/۰۷/۱۰	به‌شهادت رساندن وی
ترور ابراهیم کریمی (معاون دادگستری)	۱۳۸۷/۰۳/۲۷	به‌شهادت رساندن وی
حمله به صبحگاه نیروی انتظامی سراوان	۱۳۸۷/۱۰/۰۹	به‌شهادت رساندن ۴ نفر و زخمی شدن ۱۲ نفر
حمله به وانت نیروهای نظامی	۱۳۸۷/۱۱/۰۶	کشتن مأموران سوار بر وانت
حمله انتحاری به مسجد شیعیان زاهدان	۱۳۸۷/۰۳/۰۷	شهادت ۲۵ نمازگزار و زخمی شدن ۱۲۰ تن
حمله به ستاد احمدی‌نژاد در زاهدان	۱۳۸۸/۰۳/۰۸	مجروح کردن ۳ نفر از اعضای ستاد
حمله به نمایشگاه صنایع دستی در سرباز	۱۳۸۸/۰۷/۲۶	شهادت ۴۱ نفر و زخمی شدن ۱۵۰ نفر
حمله انتحاری به مسجد جامع زاهدان	۱۳۸۸/۰۴/۲۴	شهادت ۲۷ نفر و زخمی شدن ۱۶۹ نفر
بمب‌گذاری در مراسم تاسوعا در چابهار	۱۳۸۹/۰۹/۲۴	شهادت ۳۹ نفر
ترور امام جمعه اهل سنت راسک	۱۳۹۰/۰۹/۳۰	شهادت وی
حمله به پاسگاه مرزی سراوان	۱۳۹۲/۰۸/۰۳	۱۷ شهید و ۵ مجروح
حمله به پاسگاه مرزی	۱۳۹۲/۰۹/۱۱	۱ شهید و ۳ مجروح
گروگان‌گیری ۵ مرزبان	۱۳۹۲/۱۱/۲۶	آزادشدن آن‌ها
حمله به خودرو انتظامی در سراوان	۱۳۹۳/۰۷/۱۷	شهادت سه تن

منبع: پیشگاهی فرد و میرزاده کوهساهی، ۱۳۹۰: ۱۳۰؛ Asia Times, 2009، با کمی تغییرات

چالش‌های مرزی (مرزهای خاکی)

این‌گونه ارزیابی شده است که مرزهای شرقی ایران در همسایگی کشور و دولت‌های ضعیف و بی‌ثبات مانند پاکستان و افغانستان همواره دچار تنش و بحران بوده است. به‌طور کلی، ایران دارای ۹۲۴/۸ کیلومتر مرز مشترک با پاکستان است که ۶۱۳/۴ کیلومتر از آن خشکی و ۳۱۱/۴ کیلومتر از آن مرز آبی است (اخباری و نامی، ۱۳۸۹: ۱۷۸). هرچند ایران و پاکستان، اختلافات مرزی در مرزهای خشکی خود ندارند، عوامل متعددی وجود دارد که سبب بروز چالش‌های اساسی در این بخش از مرزهای دو کشور شده است. از آنجاکه افغانستان در همسایگی ایران، بیش از ۹۵ درصد تریاک دنیا را کشت می‌کند، پاکستان پس از ایران (۵۵ درصد) با ۳۰ درصد، مسیر بعدی انتقال مواد مخدر است (نیل، ۲۰۰۹: ۴). این کشور به‌عنوان جولانگاه قاچاقچیان حرفه‌ای و بین‌المللی شناخته می‌شود. وجود مناطق قبیله‌ای خودمختار و خاکستری مانند

خیبر، سرحد و مند سبب شده است تا لابر اتوارهای متعددی برای تولید و تبدیل مواد مخدر در این کشور فعال باشند (احمدی و بیدالله‌خانی، ۱۳۹۱: ۳۲). همچنین، برخی معتقدند مهم‌ترین عامل افزایش قاچاق مواد مخدر از طریق پاکستان، نداشتن اعتقاد و پایبندی جدی مسئولان پاکستانی اعم از مقام‌های سیاسی، قضایی و پلیس و دیگر دستگاه‌های ذی‌ربط در مقابله با قاچاق و ترانزیت مواد مخدر است (واعظی، ۱۳۹۰: ۳۷). تاکنون کلکسیون‌های از پروژه‌ها و طرح‌های انسدادی از احداث کانال، خاکریز، سیم‌خاردار تا احداث پاسگاه، برجک، راه و دیوار بتنی و... در مرزهای شرقی به نمایش درآمده است، اما در عمل، اثربخشی مطلوبی نداشته‌اند. روی‌آوری احتمالی به مبادلات غیررسمی، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و تردهای غیرقانونی اتباع پاکستانی و افغانی، قاچاق سوخت و کالا، فعالیت‌های گروه‌های تروریستی و اشرار، سبب ناامنی در مرزهای شرق ایران شده است؛ به‌طوری که مسائل یادشده، همواره از مشکلات و دغدغه‌های مرزبانان، نیروهای امنیتی، مسئولان سیاسی و امنیتی محلی و ملی و ساکنان مناطق مرزی به‌شمار می‌روند (پیشگاهی‌فرد و میرزاده کوشاهی، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

چالش مرزهای آبی (مرز دریایی گوادر)

از مهم‌ترین عوامل تنش‌زا بین کشورها مرزهای خشکی است. در حال حاضر، تنش بین کشورها منحصر به مرزهای خشکی نمی‌شود و در مناطق آبی (غیر خشکی) هم وجود دارد. تنش‌ها مربوط به کنترل آبراهه‌ها یا تنگه‌ها (تنگه هرمز)، وجود منابع نفت و گاز در فلات قاره (خلیج فارس) یا بندری ساحلی (چابهار و گوادر) رو به رشد و توسعه است که همه این‌ها به‌دلیل نامشخص بودن مرزهای دریایی بین کشورهای ساحلی به‌وجود آمده است. هرچند ایران و پاکستان اختلاف عمده‌ای در زمینه مرزهای خشکی ندارند، مسئله مرز دریایی این دو کشور در خلیج گوادر هنوز به سرانجام نرسیده است. انزوای جغرافیایی این خلیج، به‌دلیل پرت‌بودن، دورافتادگی و ناشناخته‌بودن قابلیت‌های عظیم دریای عمان و اقیانوس هند برای ایرانیان، سبب کمرغبتی یا حساسیت اندک دولت‌ها به تعیین مرز دریایی در این خلیج شده است. این درحالی است که قابلیت‌های عمده گوادر در آینده نزدیک، ایران و پاکستان را وارد این عرصه خواهد کرد (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۶۹).

حقاب رودخانه‌های مرزی

ایالت بلوچستان پاکستان و استان سیستان و بلوچستان، از مناطق دارای اقلیم صحرایی به‌شمار می‌آیند. درحالی‌که مهم‌ترین مانع توسعه این دو استان، تنگناهای آبی است. عمده‌ترین رودخانه‌های مرزی ایران و پاکستان، رودخانه نهنگ، باهوکلالت و لادیز هستند. هرچند رودخانه‌های مذکور عمدتاً دارای رژیم نزدیک به سیلابی و متغیرند، برداشت آبی دو طرف از این رودخانه‌ها ممکن است منبع تنش و مشاجره ایران و پاکستان را در مقیاس محلی و منطقه‌ای در دو سوی مرز فراهم آورد (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۰).

تهدیدهای هسته‌ای

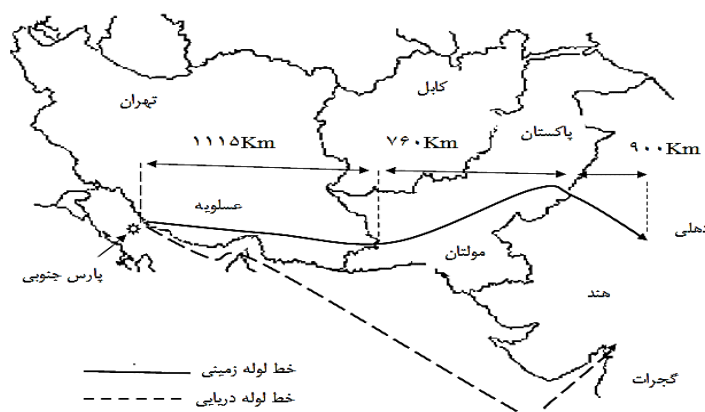
پاکستان با وجود تعقیب برنامه‌های مخفیانه هسته‌ای، کمتر به پنهان‌کاری درمورد اصل فعالیت‌های هسته‌ای خود می‌پردازد و تقریباً بر همه آشکار است که پاکستان پس از دستیابی به سلاح هسته‌ای در پی افزایش تعداد آن‌هاست. در این راستا، یک مرکز تحقیقاتی در آمریکا در سال ۲۰۰۳، تعداد تسلیحات اتمی پاکستان را بین ۲۴ تا ۴۸ سلاح هسته‌ای تخمین زده است (فکرت و کرونشتات، ۲۰۰۳: ۱۰-۱۲). کریستنسن و نوریس معتقدند که پاکستان در سال ۲۰۰۹، ۷۰ تا ۹۰ کلاهک هسته‌ای در اختیار داشته است که این میزان در سال ۲۰۱۱، به ۹۰ تا ۱۱۰ کلاهک رسیده است. آن‌ها همچنین بر این باورند که شمار کلاهک‌های هسته‌ای پاکستان می‌تواند طی یک دهه به ۲۲۰ تا ۲۵۰ کلاهک برسد

(کریستنسن و نوریس، ۲۰۱۵). نگرانی عمده، مربوط به محیط افراطی و ناامن پاکستان و دستیابی احتمالی گروه‌ها و رژیم‌های خطرناک به این فناوری است. پاکستان دارای سلاح‌های هسته‌ای است و تهدید جدی‌تر سرقت پلوتونیوم با بمب‌های کوچک و قابل حمل هسته‌ای این کشور به وسیله سازمان‌ها و گروه‌های بنیادگرا مانند طالبان و القاعده ممکن است عملیات تروریستی را در هر کشور دیگری سامان دهد (هادیان و ریگی، ۱۳۹۲: ۱۲). همچنین، عربستان سعودی از سال‌های پیش در برنامه به اصطلاح «بمب‌های سنی» سرمایه‌گذاری‌های زیادی انجام داده است و حتی تحقیقات عبدالغدير خان پدر بمب اتمی پاکستان نیز با حمایت‌های مالی ریاض انجام گرفته است. در بعد هسته‌ای، این کشور مایل به دستیابی به فناوری هسته‌ای است. امنیت تسلیحات هسته‌ای پاکستان و نگرانی درمورد در اختیار گرفتن این سلاح‌ها از سوی عربستان و دیگر گروه‌های افراطی، کل جهان را تهدید می‌کند. حتی گفته می‌شود که عربستان درصدد دستیابی به موشک‌های بالستیک ساخت پاکستان است که توانایی حمل کلاهک‌های هسته‌ای را دارد. از آنجا که پاکستان کشوری فقیر و نیازمند است، بعید نیست که برای رفع نیازهای خود دست به چنین معاملات خطرناکی بزند (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴ الف: ۲۱۵).

آینده خط لوله صلح

طرح خط لوله صلح با این هدف ارائه شد که نقش ایران را در منطقه و صحنه بین‌المللی ارتقا بخشد. از نظر امنیتی، برقراری ارتباط و پیوند دائم اقتصادی با همسایگان، به نوعی که آن‌ها امنیت خود را در زمینه‌های گوناگون با امنیت ایران در ارتباط ببینند احتمال همکاری آن‌ها با دشمنان خارجی را کاهش می‌دهد و در معادلات و برنامه‌ریزی نیروهای خارج از منطقه تأثیرگذار است (معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، ۱۳۸۷). اجرای این پروژه عظیم، دارای فواید اقتصادی برای هر دو کشور است و نیازهای پاکستان از نظر انرژی نیز تا حد زیادی تأمین می‌شود. اجرای این پروژه حدود ۴۰۰ تا ۶۰۰ میلیون دلار درآمد ارزی برای پاکستان به همراه دارد. از طرفی این کشور تا ۲۰۰ میلیون دلار گاز ارزان قیمت خریداری خواهد کرد. همچنین با واردات سالانه ۷۴۰ میلیون فوت مکعب گاز از ایران، حدود ۳۰ درصد از کسری گاز خود را جبران می‌کند. گفتنی است که ذخایر گاز پاکستان تا حدود ۱۶/۷ سال دیگر به اتمام می‌رسد (شرکت نفت و گاز بریتانیا، ۲۰۱۴). با وجود فواید زیادی که این پروژه برای هر سه کشور ایران، پاکستان و هند دارد، تاکنون اقدامات عملی برای اجرای کامل طرح از طرف پاکستان انجام نگرفته است. تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، فشارهای عربستان سعودی بر دولت پاکستان، اختلافات دامنه‌دار و بی‌اعتمادی دولت‌های هند و پاکستان به یکدیگر، حضور رقبای منطقه‌ای (ترکمنستان، قطر و عمان) و ارائه پیشنهادی مطلوب‌تری دال بر فروش انرژی ارزان‌تر به پاکستان، از جمله عواملی هستند که در به سرانجام نرسیدن پروژه خط لوله صلح بی‌تأثیر نیستند. مقامات پاکستانی ادعا کردند که پس از رفع تحریم‌ها، اقداماتی برای به سرانجام رسیدن خط لوله صلح انجام خواهند داد. در همین زمینه، شاهد خاقان عباسی، وزیر نفت و منابع طبیعی پاکستان اعلام کرد: «هر زمان که تحریم‌های آمریکا برداشته شود، خط لوله نواب شاه-گوادر به خط لوله ایران در مرز دو کشور متصل خواهد شد و پاکستان به زودی از ایران گاز دریافت خواهد کرد.» وی همچنین گفت برای تکمیل این پروژه، پاکستان با یک شرکت چینی به توافق رسیده است. همچنین قرار است یک ایستگاه توزیع گاز در بندر گوادر ساخته شود که با یک خط لوله ۷۰۰ کیلومتری تا منطقه نواب‌شاه توزیع انرژی به سراسر پاکستان را تسهیل کند (یوسف و دیگران، ۲۰۱۵)، اما نظر می‌رسد علت تمام‌ماندن این پروژه، تحریم‌های آمریکا و غرب نباشد (چیزی که مقامات پاکستانی بارها بهانه کردند)؛ به طوری که مؤسسه‌ای پاکستانی با عنوان «موسسه سیاست‌گذاری توسعه پایدار» قیمت گاز تعیین شده در قرارداد سال ۲۰۱۰ خط لوله صلح را بالا عنوان کرد و اعلام کرد که تولید برق از گاز وارد شده از ایران صرفه اقتصادی نخواهد داشت؛ بنابراین، فعالیت روی این خط لوله، به علت تحریم‌ها متوقف نشد؛ بلکه درحقیقت عمده توقف فعالیت، به علت ناتوانی پاکستان در تأمین مالی

پروژه و احداث این خط لوله بود (بنا، ۲۰۱۵). واکاوی مناسبات سه‌جانبه هند-پاکستان-ایران نشانگر آن است که سه کشور نمی‌توانند روابط ژئواکونومیک مسالمت‌آمیزی را تجربه کنند؛ چراکه مناسبات خود را به اهداف سیاسی و دیدگاه‌های ایدئولوژیک محدود می‌سازند. علاوه بر این، موقعیت نسبی پروژه خط لوله صلح، نیازمند حمایت و ضمانت‌های امنیتی صریح دولت پاکستان از همه کشورهای ذی‌نفع است که این راهبرد پاکستان در ارتباط با هند سازگار نیست. همچنان که تنش‌های کشورهای مذکور سبب شده است که هند برای تداوم پروژه خط لوله از طریق دریا اصرار کند. این مقوله، احتمالاً با ناخوشایندی ایران و پاکستان همراه خواهد بود (عزتی و ویسی، ۱۳۸۵: ۴۴).



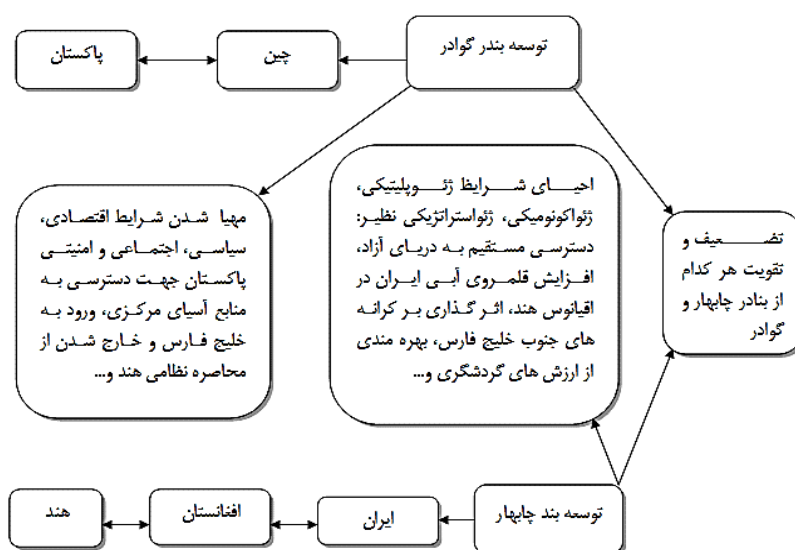
شکل ۳. مسیر خط لوله گازی، ایران - پاکستان - هند (صلح)

منبع: سامسون، ۲۰۰۴

رقابت بندرهای دریایی گوادر و چابهار

در حال حاضر، یکی از جنبه‌های رقابتی مهم دو کشور ایران و پاکستان در مورد دو بندر راهبردی چابهار و گوادر است. دلایل مهم این رقابت نه تنها از نظر اقتصادی حائز اهمیت است، بلکه در طرح توسعه این بندرها چند عامل سیاسی نهفته است که سبب بروز پاره‌ای از رقابت‌ها و تنش‌ها شده است؛ برای مثال، حضور دو قدرت اثرگذار چین و هند در ساخت و توسعه این بندرها، به اهداف رقابتی این قدرت‌ها جنبه عینی می‌بخشد. کشورهای چین و هند در رقابتی شدید، قصد در دست گرفتن بازارهای افغانستان، آسیای مرکزی و روسیه و ایجاد روابط نزدیک‌تر با این کشورها را دارند (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴ الف: ۲۳۴). مسائل متعدد اقتصادی، امنیتی، مسیرهای امن ترانزیتی و... چین را ترغیب کرده است تا به توسعه بندر گوادر بپردازد. از آنجاکه مسیر اصلی تجارت دریایی چین از تنگه مالاکا و اقیانوس هند است، جایگزینی این مسیر تجاری از طریق گوادر از هر سه بعد مسافت، ابعاد اقتصادی و امنیتی برای چین به صرفه‌تر و مطمئن‌تر است؛ چراکه مالاکا به دلیل مسافت زیاد و ناامنی ناشی از هجوم دزدان دریایی، مسیر مطمئنی برای چین محسوب نمی‌شود (احمد، ۲۰۱۵: ۸). از سوی دیگر، هند نیز به دلایل متعدد قصد توسعه بندر چابهار را دارد. اول اینکه بندر چابهار با قرار گرفتن در مسیرهای منتهی به سراسر آسیای جنوبی و جنوب خاوری و جنوب شرقی اروپا دارای موقعیتی ممتاز است که روزانه مبادله میلیون‌ها بشکه نفت و حجم کلانی از کالا و سرمایه از این مسیر دریایی صورت می‌گیرد. علاوه بر این، هند برای ورود به افغانستان و آسیای مرکزی به مسیر امن و مطمئنی نیاز دارد. کما اینکه با انتخاب این مسیر، بی‌نیاز از پاکستان می‌شود. در پی سفر محمدجواد ظریف به هند (اوت ۲۰۱۵) وی در دیدار با مؤدی، اولویت‌های ایران برای مشارکت با هندی‌ها را حوزه حمل‌ونقل (به‌ویژه کریدور شمال-جنوب) و همچنین سرمایه‌گذاری در راه‌آهن قزوین-رشت-آستارا و توسعه بندر چابهار عنوان کرد (سینگ روی، ۲۰۱۵: ۸). هرچند هند قول داده است که در توسعه این بندر به ایران کمک

کند، همچنان چابهار توسعه نیافته و زیرساخت‌های مطلوب را ندارد. پاکستانی‌ها معتقدند در صورت توفیق در پروژه بندر گوادر، به دلیل منافع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی، این بندر در بلندمدت با حل مشکلات درونی و بیرونی پیچیده خود و دور کردن چابهار از رقابت، حتی قابلیت‌های ترانزیتی بندرعباس را در معرض تهدید قرار خواهد داد (نصیری، ۱۳۸۷: ۳۶۶). همچنین چین گفته است که بندر گوادر باید تا سال ۲۰۵۰ به یک بندر مهم در منطقه تبدیل و جایگزین بندر دبی شود؛ به طوری که هم‌زمان قدرت پهلو دهی ۸۸ کشتی مادر را دارا باشد (همان)؛ بنابراین، با توجه به اینکه در حال حاضر چین در حال عملیاتی کردن طرح توسعه گوادر است و هند قرار است در توسعه بندر چابهار به ایران کمک کند، به نظر می‌رسد در آینده، این دو بندر رقیب سرسختی برای یکدیگر باشند؛ به گونه‌ای که توسعه یکی، دیگری را به طور کامل تحت الشعاع خود قرار دهد. علاوه بر این، به مرور جایگاه پراهمیت این بندرها برای کشورهای منطقه و جهان، سبب تشدید رقابت کشورهای رقیب (ایران و پاکستان، چین هند و حتی آمریکا و روسیه) خواهد شد.



شکل ۴. مدل استنباطی: الگوی رقابتی، بندرهای چابهار و گوادر

متغیر آسیای مرکزی

آسیای مرکزی در چهارراه قاره آسیا، اروپا و منطقه خاورمیانه واقع شده و از نظر داشتن حجم عظیمی از ذخایر انرژی، یکی از مناطق مهم به شمار می‌آید. حدود ۵ درصد از کل ذخایر جهانی نفت و ۸/۳ درصد (۶/۶۵ تریلیارد مترمکعب) کل ذخایر جهانی گاز در آسیای مرکزی است (اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۲۰۱۱). در ارزیابی نقش ایران در آسیای مرکزی از نظر اقتصادی، انتقال خطوط انرژی و نقش ترانزیتی و کریدوری ایران در ارتباط این کشورها با آب‌های آزاد و همچنین بازار مصرف این کشورها دارای اهمیت است. ایران تنها صادرکننده نفت و گاز است که با کشورهای آسیای مرکزی مرز مشترک دارد (اعظمی و زرقانی، ۱۳۹۱: ۲۰). همچنین اگرچه پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی بر بعد اقتصادی روابط با یکدیگر تأکید می‌کنند، این کشور در آسیای مرکزی عمدتاً اهداف ایدئولوژیک خاص خود را دنبال می‌کند. ارتباط برخی از گروه‌های افراطی پاکستانی با جنبش‌ها و گروه‌های آسیای مرکزی مانند حزب النصرت، حرکت اسلامی ازبکستان، حزب التحریر اسلامی و زیرشاخه‌های آن مانند گروه اکرمی و سایر جنبش اسلامی آسیای مرکزی، از چالش‌های اساسی سیاست خارجی ایران در این منطقه است. این گروه‌ها بیشتر در کشورهای ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان فعالیت می‌کنند. اهمیت بنیادگرایی اسلامی در این منطقه از این جهت است که این گروه‌ها اندیشه‌های سنی- وهابی تأثیر

می‌پذیرند که در صورت قدرت‌گیری این گروه‌ها نمی‌توان رویکرد مناسبی با جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با آن‌ها متصور بود (علویان و کوزه‌گر کالچی، ۱۳۸۸: ۷۹).

متغیر عربستان سعودی

واقعیت این است که عربستان در همگرایی با پاکستان و واگرایی کامل با ایران است. رقابت دو کشور ایران و عربستان در خلیج فارس، خاورمیانه، جهان عرب و اسلام و حتی در صحنه بین‌المللی، گویای توانایی اندک آن‌ها در بسط همکاری‌های دوجانبه است. منتها ریشه اصلی منازعات ایران و عربستان را باید در مسائل مذهبی جست‌وجو کرد (اطاعت و احمدی، ۱۳۹۴: ۶۳). گسترش روابط افراطی پاکستان با عربستان سعودی و تداوم و تقویت حمایت از طالبان افغانستان و حمایت از نبردهای نیابتی از طریق اسلام‌گرایان افراطی در سریلانکا، نپال، بنگلادش و کشورهای حوزه آسیای میانه و...، آثاری ناخوشایند بر منافع ایران و دیگر کشورها داشته است (پانت و ژولن، ۲۰۱۳: ۸۰). عربستان دارای بیشترین سهم در تجهیز، سازماندهی و تقویت گروه‌های تندرو پاکستانی است. آمار غیررسمی حکایت از آن دارد که حدود ۲۰ هزار مدرسه مذهبی در پاکستان وجود دارد. گفتنی است بیش از ۱،۵۴۹،۲۴۴ دانش‌آموز در این مدارس مشغول به تحصیل هستند که عربستان سعودی بیشترین سهم را در تجهیز این مدارس برعهده دارد. تأسیس حوزه‌های علمیه و جذب و تربیت طلاب علوم دینی، احداث دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و مساجد، فروشگاه‌هایی در قالب تبلیغات و هابی‌گری، ورود برخی از افراد در بعضی از مشاغل خدماتی و امدادی در بعضی از مؤسسات خیریه و... با رویکرد تبلیغ و ترویج وهابیت از ناحیه عربستان انجام می‌گیرند (رشیدی و شاه قلعه، ۱۳۹۱: ۱۰۵).

متغیر افغانستان

پاکستان دارای طولانی‌ترین مرز مشترک با افغانستان (بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر) است. اختلافات مرزی میان دو کشور (بر سر خط مرزی دیورند) و مسئله قوم پشتون سبب شده است که پاکستان و افغانستان، پویای امنیت بسیار نزدیکی با یکدیگر داشته باشند (دسوزا، ۲۰۰۹: ۲-۳). افغانستان حدود ۹۷۸ کیلومتر مرز مشترک با ایران دارد و ایران گذرگاه دریایی (آبی) مهم افغانستان، و افغانستان دروازه ایران به آسیای میانه و چین به‌شمار می‌رود. دو کشور ایران و افغانستان، از علقه‌ها و پیوندهای عمیق تاریخی، فرهنگی، قومی و مذهبی برخوردارند. باید گفت رقابت ایران و پاکستان در افغانستان، با استقرار دولت طالبان در افغانستان، برای ایران شکل تهدید به خود گرفت. حمایت دولت و نیروهای اجتماعی پاکستان از طالبان، یکی از تهدیدهای اساسی برای ایران از جانب پاکستان است (احمدی و بیدالله‌خانی، ۱۳۹۱: ۲۲)؛ چراکه پاکستان در پرورش و ترغیب این گروه‌ها نقش فعالی برعهده دارد. درحالی‌که ایران ضمن مخالفت با پاکستان و حمایت این کشور از طالبان، این گروه تروریستی را جریان منحرف می‌داند که با حمایت دستگاه‌های اطلاعاتی برخی از کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ و با تفسیر افراطی از آموزه‌های دینی و اقدامات خشونت‌آمیز، تخریب چهره واقعی اسلام و مهار سیاست‌های ایران را در سطح منطقه دنبال می‌کند. گرایش نسبی فرهنگی برخی از اقوام افغانستان (بیشتر متعلق به قوم تاجیک، هزاره و قزلباش) به ایران و گرایش برخی از اقوام دیگر (اغلب بلوچ‌ها و پشتون‌ها) به پاکستان، از دلایل عمده‌ای است که سبب شده است دو کشور در تحولات افغانستان بسترهای نفوذ قابل‌اتکایی به‌دست آورند. همین امر موجب شده است که افغانستان به حوزه رقابت و نفوذ بیشتر این دو کشور تبدیل شود (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۳). ادامه فعالیت گروه‌های بنیادگرا و اقدامات تروریستی علیه شیعیان و اتباع ایرانی، کشت و ترانزیت مواد مخدر و رقابت دو کشور در افغانستان برای نفوذ بیشتر در آسیای مرکزی، از دیگر چالش‌های مهم ایران در مواجهه با پاکستان در صحنه تحولات افغانستان است.

نتیجه گیری

منازعات ایران و پاکستان، متأثر از دو پیشامد هم‌زمان اتفاق افتاد. اولی به حکومت‌رسیدن ژنرال ضیاءالحق (۱۹۷۸) و آغاز برنامه اسلامی‌سازی وی (۱۹۸۴) و دومی پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) بود. از آن زمان، گروه‌های تندرو و رادیکال در لوای برنامه اسلامی ضیاءالحق و حمایت‌های عربستان سعودی، به تبع وقوع انقلاب شیعی در ایران، شدیدترین اعمال تروریستی و ارباب‌گرایانه را انجام دادند. وجود ۹۸۷ کیلومتر مرز مشترک ایران با پاکستان نیز در سایه عقبه قومی همگرا با پاکستان (بلوچ‌ها)، فعالیت گروه‌های مخالف و معاند با ایران را آسان‌تر کرد. چنان‌که گروهک‌های تروریستی و مخالف با ایران مانند جندالله، جیش‌العدل و انصار در خاک ایران (سیستان و بلوچستان)، کاملاً از افکار وهابیت (عربی) و دیوبندی (شبه‌قاره) تأثیر پذیرفته‌اند. همین ناهمگونی‌ها و ناهماهنگی‌ها، خود به‌وجودآورنده سایر تنش‌ها مانند مسائل قومی، مشکلات مرزی (قاچاق مواد مخدر و کالا، ترور و...) شده است. علاوه‌براین، تضادهای ایدئولوژیکی دو کشور، به شکل‌گیری اهداف متضاد آن‌ها در سایر موضوعات منطقه‌ای، حمایت پاکستان از طالبان در افغانستان، روابط گسترده با عربستان سعودی و سایر رقابت‌های منفی (در آسیای مرکزی) دو کشور انجامیده است. اختلافات یادشده، حتی بر مسائل اقتصادی دو کشور تأثیر بسزایی داشته است؛ به‌گونه‌ای که حجم مراودات اقتصادی دو کشور، کمتر از یک میلیون دلار (حدود ۸۵۰ هزار دلار) در سال است. به‌ثمرنرسیدن پروژه خط لوله صلح (با وجود نیاز شدید پاکستان به انرژی) نیز به‌نوعی متأثر از این اختلافات دیدگاهی است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت توجه به تعدد در منابع تنش و تهدید، هرگونه پیش‌بینی در بهبود روابط دو کشور با دشواری مواجه است.

قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از مساعدت‌های دانشگاه شهید بهشتی در انجام‌دادن این پژوهش تشکر و قدردانی کنند.

منابع

۱. اطاعت، جواد و ابراهیم احمدی، ۱۳۹۴، تحلیل ژئوپلیتیکی روابط پاکستان و همسایگان: تنش‌ها و تهدیدها، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره هفتم، شماره ۲۴، صص ۵۱-۷۵.
۲. احمدی، ابراهیم، ۱۳۹۴، ژئوپلیتیک همگرایی و واگرایی منطقه‌ای، مطالعه موردی: ایران و پاکستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۳. احمدی، حمید و آرش بیدالله‌خانی، ۱۳۹۱، طالبان پاکستان: علل پیدایش، ماهیت و چالش‌های امنیتی، فصلنامه سیاست، دوره چهل‌ودوم، شماره ۱، صص ۲۱-۳۷.
۴. اخباری، محمد و محمدحسین نامی، ۱۳۸۹، جغرافیای مرز، با تأکید بر مرزهای ایران، چاپ اول، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
۵. امامی، حسام‌الدین، ۱۳۷۸، افغانستان و ظهور طالبان، چاپ اول، انتشارات شاب، تهران.
۶. پیشگاهی فرد، زهرا و مهدی میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۰، تبیین موانع مدیریت بهینه مرزهای ایران و پاکستان، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۵، صص ۱۰۸-۱۴۱.
۷. پیشگاهی فرد، زهرا و امیر قدسی، ۱۳۸۷، بررسی و تحلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکی پاکستان، و نقش آن در روابط با سایر کشورها، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، صص ۸۱-۹۹.
۸. جمالی، جواد، ۱۳۹۰، افراطی‌گری در پاکستان، چاپ اول، انتشارات اندیشه‌سازان نور، تهران.
۹. جوادی ارجمند، محمدجعفر، بیدالله‌خانی، آرش و پیمان رضایی‌زاده، ۱۳۹۱، تحلیل ژئواستراتژیکی روابط ایران و پاکستان با تأکید بر عامل امنیتی، مطالعات شبه‌قاره، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۵۱-۷۶.

۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، چاپ اول، انتشارات پاپلی، مشهد.
۱۱. خلیلی، محسن، حیدری، جهانگیر و هادی صیادی، ۱۳۹۲، **پیوند ژنگان ژئوپلیتیک و سیاست خارجی، (نمونه پژوهی: ایران و پاکستان)**، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۹۵-۱۲۶.
۱۲. خوش‌آمدی، حسین، ۱۳۸۷، **نقش شیعیان در پاکستان**، چاپ اول، دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، تهران.
۱۳. دهشیار، حسین، ۱۳۸۶، **ستون‌های دوگانه بی‌ثباتی در پاکستان**، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیست‌ویکم، شماره ۲۳۹ و ۲۴۰، صص ۴-۱۵.
۱۴. رحیمی، حسن، ۱۳۹۲، **نظریه‌های ژئوپلیتیک**، چاپ اول، نشر انتخاب، تهران.
۱۵. سجادی‌پور، کاظم و مائده کریمی قهرودی، ۱۳۹۰، **رقابت هسته‌ای هند و پاکستان و پیامدهای آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره ۴، صص ۲۲۷-۲۵۸.
۱۶. شفیع، نودز و غلامرضا قلیچ خان، ۱۳۸۹، **تبیین رادیکالیسم بر روابط ایران و پاکستان**، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۱-۱۱.
۱۷. علویان، مرتضی و ولی کوزه‌گرکالچی، ۱۳۸۸، **سیاست جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی**، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۴۶، صص ۶۳-۹۲.
۱۸. عزتی، عزت‌الله و هادی ویسی، ۱۳۸۵، **تحلیل ژئوپلیتیک و ژئواکونومی خط لوله گاز ایران- هند**، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره ۲، صص ۲۷-۴۵.
۱۹. غفوری، محمود و محمد داوند، ۱۳۹۴، **ارزیابی و تحلیل تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نقش انقلاب اسلامی**، مجله سیاست دفاعی، سال بیست‌وسوم، شماره ۹۱، صص ۴۱-۷۱.
۲۰. غفوری، محمود و محمد داوند، ۱۳۹۳، **تحلیل تهدیدهای دولت و جامعه پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال ششم، شماره ۱۸، صص ۸۹-۱۱۶.
۲۱. فرمانیان، مهدی، ۱۳۸۹، **آشنایی با فرق اهل تسنن**، چاپ دوم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم.
۲۲. فرزین‌نیا، زیبا، ۱۳۸۵، **پویایی پیچیده روابط پاکستان با چین**، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیستم، شماره ۲ و ۳، صص ۵۱۷-۵۵۵.
۲۳. کوشکی، محمدصادق و سیدمحمود حسینی، ۱۳۹۳، **چشم‌اندازی بر درگیری‌های قومی در پاکستان، مطالعه موردی: شهر کراچی**، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ششم، شماره ۲۰، صص ۶۰-۹۲.
۲۴. کوزه‌گرکالچی، ولی، ۱۳۹۰، **فراز و نشیب‌های روابط ایران و پاکستان: از رقابت تا همکاری**، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، مردادماه.
۲۵. کریمی‌پور، یدالله، ۱۳۷۹، **مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)**، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت‌معلم، تهران.
۲۶. محمدی، حمیدرضا و ابراهیم احمدی، ۱۳۹۴الف، **ژئوپلیتیک ایران و پاکستان (زمینه‌های همگرایی و واگرایی منطقه‌ای)**، چاپ اول، نشر انتخاب، تهران.
۲۷. محمدی، حمیدرضا و ابراهیم احمدی، ۱۳۹۴ب، **واگرایی در روابط ایران و پاکستان با تأکید بر افراطی‌گری مذهبی**، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱۴۳-۱۶۸.
۲۸. موسوی عیلزاده، سیدمهدی، ۱۳۹۲، **مکتب دیوبندی و جنبش‌های جماعت تبلیغ**، چاپ اول، انتشارات یاد اندیشه، قم.
۲۹. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۹۱، **فلسفه و کارکرد ژئوپلیتیک (مفاهیم و نظریه‌ها در عصر فضای مجازی)**، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.

۳۰. موسوی، سیدحامد، ۱۳۹۰، **دین و سیاست در پاکستان**، چاپ اول، نشر تنزيل، تهران.
۳۱. محمدی، ناصر، ۱۳۸۵، **جغرافیای کشورهای همجوار، پاکستان**، چاپ اول، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
۳۲. نصیری، حسین، ۱۳۸۷، **بررسی موقعیت ایران و کشورهای رقیب در مبادلات جهانی - منطقه‌ای (با تأکید بر توسعه محور شرق)**، فصلنامه سیاست، دوره سی و هشتم، شماره ۳، صص ۳۴۹-۳۷۷.
۳۳. واعظی، محمود، ۱۳۹۰، **ایران و تهدیدات ناشی از بی‌ثباتی در افغانستان و پاکستان**، مجله کانون‌های بحران در آسیا، مرکز تحقیقات استراتژیک، صص ۱۵-۴۵.
۳۴. هادیان، ناصر و حنیفه ریگی، ۱۳۹۲، **تأثیر اشغال نظامی افغانستان بر روابط پاکستان با قبایل آن با تأکید بر ملی‌گرایی قوم بلوچ (۲۰۱۱-۲۰۱۴)**، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره ۳، صص ۷-۴۰.
35. Ahmadi, E., 2015, **Geopolitical Analysis, Convergence and Divergence of Regional, Case Study: Iran and Pakistan**, Sc Thesis, Shahid Beheshti University, Tehran. (*In Persian*)
36. Ahmad, A, 2015, **Gwadar: Potential and Prospects**, Seminar on Gwadar by PICSS and FPCCI, January 29, 2015.
37. Ahmadi, H. & Bidolahkhani, A., 2013, **Pakistani Taliban; Advent Causes, Nature and Security Challenges**, Policy Quarterly, Vol. 42, No. 1, PP. 21-37. (*In Persian*)
38. Akhbari, M. & Nami, M.H. 2010, **Geography of the Border, with the Emphasis on Iran's Borders**, Publication of Geographical Organization of the Armed forces, Tehran. (*In Persian*)
39. Alavian, M. & Kouzehgar- kaleji, V., 2009, **Iranian Policy in Central Asia; The Qualification of Convergence and of the Divergence Orientation**, Political Science Quarterly, Vol. 2, No. 46, PP. 63- 92. (*In Persian*)
40. Abbas, H., 2004, **Pakistan's Drift into Extremism: Allah, Then Army, and America's War Terror**, M.E., Sharpe.
41. Emami, H., 1999, **Afghanistan and the Advent of the Taliban**, Shaab Published, Tehran. (*In Persian*)
42. Bhutta, Z., 2015, **IP pipeline: Sanctions had not Halted Work on Project**, says expert, Available on: the express TRIBUNE, at: tribune.com.pk/.../ip-pipeline-sanctions-had-not-halted
43. **BP Statistical Review of World Energy**, 2014.
44. Baqal, H., 2012, **Extremism and Fundamentalism: Linkages to Terrorism Pakistan's Perspective**, International Journal of Humanities and Social Science, Vol. 1 No. 6, PP. 242-248.
45. Booz Allen Hamilton Companies, 2010, **Addressing Geopolitical Challenges, the Smart Power Approach**, Government Business Council, Booz, Allen, Hamilton.
46. Claude, R. & Pierre, G., 2012, **Pakistan's Twin Interrelated Challenges: Economic Development and Security**, Australian Journal of International Affairs, Vol. 66, No. 2, PP. 139-154
47. D'Souza, S. M., 2009, **Afghanistan in South Asia: Regional Cooperation or Competition**, South Asian Survey, Vol.16, No. 1, PP. 23-42.
48. Daheshyar, H., 2007, **Twin Pillars of Instability in Pakistan**, Political_Economic information, Vol. 20, No. 239 and 240, PP. 4 -13. (*In Persian*)
49. Etaat, j. & Ahmadi, E., 2015, **Analysis of the Relations Geopolitical Pakistan and Neighbors: The Sources of Tension and the Threat**, Political and International Studies Quarterly, Vol. 7, No. 24, PP. 51-75. (*In Persian*)
50. Ezzati, E. & Veysi., 2006, **Geopolitics and Geoeconomy Analysis of Iran-India Gas Pipeline**, Geopolitics Quarterly, Vol. 2, No. 2, PP. 27-45. (*In Persian*)
51. Farmaniyan, M., 2010, **Acquaintance to the Sunni Sect**, Management Center Seminary, Qom. (*In Persian*)
52. Foreign Policy Research Department, 2008, **IP Pipeline**, Department of Asian Studies, December 10. (*In Persian*)

53. Fair, C., 2004, **Militant Recruitment in Pakistan: Implications for Al Qaeda and Other Organizations**, Studies in / Conflict and Terrorism, Vol. 27, Issue 6, PP. 459 – 504
54. Farzinniya, Z., 2006, **The Complex Dynamics of Pakistan's Relations with China**, Foreign Policy Quarterly, Vol. 20, No. 2-3, PP. 517–555. (*In Persian*)
55. Feickert, A. & Kronstadt, K. A., 2003, **Missile Proliferation and the Strategic Balance in South Asia**, Congressional Research Service, Order Code RL32115, October 17.
56. Ghafouri, M. & Davand, M., 2015, **Assessment and Analysis of the Radical Islamism in Pakistan against the National Security of the Islamic Republic of Iran with Emphasis on the Role of Islamic Revolution**, Defense Policy Journal, Vol. 23, No. 91, PP. 71–91. (*In Persian*)
57. Ghafouri, M. & Davand, M., 2014, **Analyzing Pakistan's Government and Society Threats against Security of the Islamic Republic of Iran**, Subcontinent Studies Quarterly, Vol. 6, No. 18, PP. 89–116. (*In Persian*)
58. Goff, K., 2014, **The Shared Geopolitical Challenges of Germany and Japan**, Republishing by the Manila Times of Geopolitical Diary, <http://manilatimes.net/the-shared-geopolitical-challenges-of-germany-andjapan/72282/>
59. Hadyan, N. & Rigi, H., 2013, **The Impact of Military Occupation of Afghanistan upon Pakistan's Relations With the Tribes With an Emphasis on Ethnic Baluch Nationalism (20112014)**, Foreign Relations Quarterly, Vol. 5, No. 3, PP. 7–40. (*In Persian*)
60. Human Development Report, 2014, **Pakistan, HDI Values and Rank Changes in the 2014 Human Development Report**.
61. Hussain, Z., 2007, **Frontline Pakistan: The Struggle with Militant Islam**, London, New York: I. B. Tauris.
62. Hafezniya, M. R., 2006, **The Principles and Concepts of Geopolitics**, Papoli Publications, Mashhad. (*In Persian*)
63. Javadi- Arjmand, M. J., Bydallah Khani, A. & Rezaizadeh, P., 2012, **Geostrategic Analysis of Iran-Pakistan Relations with Focus on Security Factor**, Subcontinent Studies Quarterly, University of Sistan and Baluchestan, Vol. 4, No. 12, PP. 51–76. (*In Persian*)
64. Jamal, A., 2012, **Malik Mohammad Ishaq: Founder of Lashkar e-Jhangvi**, Militant Leadership Monitor, Vol. 3, Issue 5, pp. 113.
65. Jamali, J., 2011, **Extreme Casting in Pakistan**, Andishe Sazan Noor Publication, Tehran. (*In Persian*)
66. Javaid, U., 2009, **Significance of Dialogue Process for Peaceful Coexistence between Pakistan and India**, Journal Political of Studies, Vol. 5, PP. 23–35.
67. Johnson, T. H. & Mason, M. C., 2008, **No Sign until the Burst of Fire; Understanding the Pakistan-Afghanistan Frontier**, International Security, Vol. 32, No. 4, PP. 31–77.
68. Khalili, M., Heydari, J. & Sayadi., 2014, **The Relationship of the Geopolitical Genome and the Foreign Policy, Case Study: Pakistan and Iran**, Subcontinent Studies Quarterly, Vol. 5, No. 17, PP. 95–126. (*In Persian*)
69. Koushki, M. S. & Hosseini, S. M., 2014, **Perspective on Ethnic Conflict in Pakistan, Case Study: Karachi City**, Political and International Studies Quarterly, Vol. 6, No. 20, PP. 60–92. (*In Persian*)
70. Kouzehgar-Kaleji, V., 2012, **Ups and Downs in Iran-Pakistan Ties Iranian**, Review of Foreign Affairs, Vol. 2, No. 4, PP. 141–178. (*In Persian*)
71. Kerr, P. & Nikitin, B., 2013, **Pakistan's Nuclear Weapons: Proliferation and Security Issues**, Congressional Research Service, RL34248, March 19, 2013, Available: www.crs.gov.
72. Kristensen, H. M. & Robert, S.N. 2015, **Nuclear Notebook: Pakistan's Nuclear Forces**, Available on: <http://thebulletin.org/nuclear-notebook-pakistans-nuclearforces>.
73. Khoshamadi, H., 2008, **The Shiites Role in Pakistan**, the Ministry Studies of Foreign Affairs, Tehran. (*In Persian*)

74. Karimpour, Y., 2000, **The Introduction's on Iran and Neighbors (Sources of Tension and Threat)**, Tarbiyat Moalem University, Tehran. *(In Persian)*
75. Mohammadi, H.R. & Ahmadi, E., 2015a, **Iran and Pakistan Geopolitics (The Regional Convergence and Divergence Fields)**, Entekhab Publication, Tehran. *(In Persian)*
76. Mohammadi, H. R. & Ahmadi, E., 2015b, **Divergence between Iran and Pakistan, with an Emphasis on Ethnic and Religious Extremism**, Political Studies of the Islamic World Quarterly, Vol. 4, No. 2, PP. 143–169. *(In Persian)*
77. Moussavi Alizadeh, S. M., 2013, **Deobandi School and Structure of the Tablighi Jamaat**, Yaade Andisheh Publication, Qom. *(In Persian)*
78. Mojtahed-zadeh, P., 2013, **Geopolitics Philosophy and Application (Concepts and Theories in the Age of Virtual Space)**, Samt Publication, Tehran. *(In Persian)*
79. Mousavi, S. H., 2011, **Religion and Politics in Pakistan**, Tanzil Publication, Tehran. *(In Persian)*
80. Mohammadi, N., 2006, **Neighboring Countries Geography, Pakistan**, Armed Forces Organization Geographical Publication, Tehran. *(In Persian)*
81. Nassiri, H., 2009, **Check the Position of Iran and Competitor Countries in the World Exchange Regional (With Emphasis on the Development of the East)**, Politics Quarterly, College of Law and Political Science, Vol. 38, No. 3, PP. 349–377. *(In Persian)*
82. Neill, A., 2009, **Afghanistan /Iran/Pakistan Cross-Border Security Symposium**, Royal United Services Institute, London.
83. Norling, N. & Swanstrm, N., 2007, **The Shanghai Cooperation Organization, Trade and the Roles of Iran, India and Pakistan**, Central Asian Survey, Vol. 3, No. 26, PP. 429–444.
84. Pant, H. & Super, J. M., 2013, **Balancing Rivals: India's Tightrope between Iran and the United States**, Asia Policy Vol. 1, No. 5, PP. 69–88.
85. Pishgahifard, Z. & Mirzadeh-Kouhshahi, M., 2011, **Explanation of Effective Factors on Crisis-Creation and Management of Iran and Pakistan Borders**, Defense Strategies Quarterly, Vol. 9, No. 36, PP. 108–141. *(In Persian)*
86. Pishgahifard, Z. & QudsI, A., 2008, **Geopolitical Analysis of Pakistan and Its Effects on Its Relation with Other Countries**, Geographical Research Quarterly, No. 63, PP. 81–99. *(In Persian)*
87. Rahimi, H., 2013, **Theories of Geopolitical**, Eentekhab Publication, Tehran. *(In Persian)*
88. Rashid, A., 2008, **Descent into Chaos: How the War against Islamic Extremism is Being Lost in Pakistan, Afghanistan and Central Asia**, Penguin Group, London.
89. Singh Roy, M., 2015, **International North-South Transport Corridor: Re-energizing India's Gateway to Eurasia**, Institute for Defense Studies and Analyze, PP. 1–8.
90. South Asian Terrorism Portal, 2012, **Lashkar-e Jhangvi**, Available on: <http://www.satp.org/satporgtp/countries/pakistan/terroristoutfits/lej>
91. Sajjadpour, K. & Karimi Ghahroudi, M., 2011, **Nuclear Rivalry between India and Pakistan and Its Implications for the National Security of the Islamic Republic of Iran**, Strategic Studies Quarterly, Vol. 14, No. 40, PP. 227–258. *(In Persian)*
92. Shafie, N. & Ghelichkhani, Gh. R., 2010, **Explaining the Impact of Islamic Radicalism in Pakistan-Iran Relations**, Strategic Studies of the Islamic World Quarterly Vol. 11, No. 42, PP. 1–33. *(In Persian)*
93. Vaezi, M., 2012, **Iran and Fulmination Due to the Instability in Afghanistan and Pakistan**, Journal of Tension Centers in Asia, Center for Strategic Research, Tehran, PP. 15_45. *(In Persian)*
94. Yousof, K., Bhutta, G. and Zafar, Z., 2015, **Good Tidings: Iran Deal Brightens IP Gas Pipeline Prospects**, Available: The Express TRIBUNE (July 15, 2015), Available on: Published: July 15, 2015 tribune.com.pk/.../good-tidings-Iran-deal-brightens-ip-g